



صفحه ۲

کابینه روحانی و دل شکسته ملی - اسلامی ها!

آذر ماجدی

هدیه روحانی به کنشگران
ملی - اسلامی حوزه زنان
حاج خانم معاون شد!

نامه ای از ایران:

تأثیرات حجاب اسلامی
بر روحیه زنان

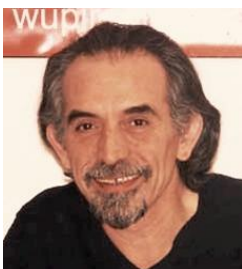
صفحه ۳

پروین احمدزاده



تونس:

تظاهرات گسترده زنان و مردان
آزادیخواه علیه حکومت اسلامی
النهضة باید برود!



صفحه ۴

ماهیت کشمکش کنونی در مصر
اردوی انقلابی باید ابتکار عمل را بدست گیرد!

سیاوش دانشور

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



کابینه روحانی و دل شکسته ملی - اسلامی ها!

آذر ماجدی

پورمحمدی بعنوان وزیر دادگستری "سفرشان بهشان زهرمار شد" و "یاد هم سلولی های اعدام شده شان افتادند." گله کرده اند که انتخاب پورمحمدی "تبرئه یک جنایتکار حرفه ای است." باید گفت که خیر، انتخاب پورمحمدی آدمکش به پست وزارت تبرئه یک جنایتکار حرفه ای نیست، این نامه ها و روزه خوانی های شما ملی - اسلامی های هوادار رژیم تبرئه یک نظام تا پوست و استخوان آدمکش و جنایتکار است. لطفا ژست آزرده دل شدن و یاد کردن از انسانهای شریفی که بر چوبه های دارد رفتند را نگیرید! شما با این کارتان می خواهید آدمکش های حرفه ای از قبیل روحانی، رفسنجانی، موسوی، کروبی، خاتمی و هم پیشه های ساکن فرنگ آنها را تبرئه کنید.

سایت های ملی - اسلامی پر است از انتقاد و گریه و فغان از انتخاب این جنایتکار به وزارت. گویی در یک نظام متشکل از قدوسین و مظلومین یک آدمکش وارد شده است و داد و هوار این آخوند مسلک ها بهوا رفته است. انسان یاد تعزیه خوانی های زمان تاسوعا و عاشورا می افتد، اینها هم شمر خود را یافته اند: پورمحمدی شمر و روحانی امامشان حسین! دغلبازی هم اندازه دارد. این نظام از سر تا تهش آدمکش و جنایتکار حرفه ای اند. از خود خمینی گرفته تا خاتمی، موسوی و روحانی قهرمانان اصلاح طلبان معتدل حکومتی. تمام این آدمکشان باید در یک دادگاه مردمی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. این شامورتی بازی ها فایده ای ندارد. روزی که مردم این جنایتکاران را به زیر کشند، تمام این آدمکشان کثیف را بر

صفحه ۳

انتخاب کند "که نه تنها سابقه ی گفتار، رفتار و عملکرد زن ستیزانه در کارنامه ی خود نداشته باشند و زنان را شهروند درجه دوم تلقی نکنند، بلکه برابری حقوقی زن و مرد را به رسمیت بشناسند...". * فقط "کنشگران امت اسلامی" می توانند در روز روشن خود را به کوچه علی چپ بزنند و نامه ها و بیانیه های این چنینی بنویسند. گویی در این دنیا زندگی نمی کنند. از همراه همیشگی "امام"، از کسی که از همان روز اول از سردمداران این رژیم و دارای پست و مقام های بالاتر از مدیران کلان بوده است، درخواست می کنند که حقوق زنان را رعایت کند، کسانی را به مدیریت کلان و در کابینه بگمارد که "سابقه گفتار، رفتار و عملکرد زن ستیزانه" نداشته باشد، از او می خواهند که خواست مردم را متحقق کند! کسی نیست به اینها بگوید که چنین کسی را هنوز هیچ مادری در میان "امت اسلامی" نزنایده است. روزی نان را خدا جای دیگری حواله دهد. اینها چه کسی را نفهم فرض کرده اند؟ مردم را؟ یا دارند بقصد اضافه کردن طول عمر رژیم عزیزشان خود را به نفهمی می زنند؟

آن نمایش تمام شد و مضحکه پسا انتخابات آغاز شد. التماس درخواست نوشتن ها از گوشه و کنار سرازیر شد. سیاست "تحریم فعال" به حمایت فعال بدل شد! و بالاخره وارد پرده آخر پسا انتخابات، مراسم تحلیف و انتخاب کابینه شدیم. باز این هم سرایندهای شبهای احیاء همخوانی شان را آغاز کردند؛ همصدا از دل شکسته و غم سنگین انتخاب پور محمدی نالیدند. (واقعا که تمامشان نزد آخوندهای تاسوعا و عاشورا دوره دیده اند.) می نویسند که با خواندن نام

مضحکه انتخابات و نمایش های مسخره انتخاباتی ملی - اسلامی ها را پشت سر گذاشتیم: ابتدا ژست گرفتند و اعلام کردند که "باید تحریم فعال کرد!" "این انتخابات نیست!" (جالب است پس از سی و چهار سال، یکباره خواب نما شدند!) بعد رفسنجانی کاندید شد و همه مانند سرایندهای تراژدی های یونانی همصدا خواندند که "رفسنجانی تنها گزینه است." در پرده آخر رفسنجانی سلب صلاحیت شد و این سرایندهای شب احیای اسلامی اعلام کردند که دیگر باید "تحریم فعال کرد."

پس از درآمدن روحانی از صندوق، مضحکه تبریک و التماس درخواست ملی - اسلامی ها در آستان "رئیس جمهور منتخب مردم" آغاز شد. پشیمان و خجلت زده از موضع تحریم، یکی یکی شروع به نامه سرگشاده نوشتن کردند. با عزت و احترام او را "آقای دکتر حسن روحانی رییس جمهوری محترم و منتخب ایران" خطاب کردند و "وعده های انتخاباتی" را به او یادآور شدند. با او اعلام همبستگی و همدردی کردند و اعلام کردند که حاضرند سپر بلای او شوند: "ما می دانیم راه شما دشوار و سنگ های دشمنان بسیار است که از فردای در دست گرفتن فرمان اداره کشور بر سر و روی شما خواهد بارید. ما آماده ایم سپر این سنگ ها شویم به شرط آنکه شما هم به وعده های خود عمل کنید." (شهلا لاهیجی نامه به "رئیس جمهور منتخب").

کنشگران ملی - اسلامی حوزه زنان جلسات متعدد مشاوره گرفتند و یک بیانیه "هم اندیشی" تهیه کردند که در آن از رئیس جمهور منتخبشان خواسته اند وزیران و مدیران کلان را از میان کسانی

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

کابینه روحانی و دل شکسته ملی - اسلامی ها...

صندلی محاکمه خواهند نشاند. آنگاه این ملی - اسلامی ها باید بیایند و برای آنها طلب مغفرت کنند.

جالب اینجاست که این کنشگر بخت برگشته که "سفرش زهرمارش شد" شلاق این رژیم را بر تنش احساس کرده و در جلوی چشمانش ده ها نفر از هم سلولی هایش را اعدام کرده اند و هنوز دارد از این رژیم دفاع می کند. اینها از یک خانواده اند. مثل گریه مرتضی علی هر جور که به هوا پرتاب شوند چهار دست و پا به زمین می آیند. مهم نیست که چه کسی رئیس جمهور شود، اینها یک صفت اصلاح طلب یا معتدل به او می چسباندند و ویزای زیارت و آستانبوسیش را دست و پا می کنند.

*ر.ش. به مقاله بیانیه "هم اندیشی زنان برای طرح معیار انتخاب وزرای آینده" آب در هاون کوبیدن یا توهم پراکنی! آزادی زن شماره ۹۵



اینجا تهران است!

روزنامه های حکومتی مینویسند دور جدیدی از ظهور زنانی که حجاب و ارزشهای اسلامی را مسخره میکنند در تهران آغاز شده است.

ظاهرا پوشیدن "سایپورت" یا "لگینگ" و شال، و دور انداختن مانتو و مقنعه، و همزمان گوشمالی زنان مامور "نهی از منکر" پایه های اسلام را بلرزه درآورده است!

این واکنش زنان به حجاب و قوانین اسلامی را مقایسه کنید با تلاش ارتجاعی "کنشگران اسلام زده" که به سیاست درپوزگی از رژیم زن ستیز اسلامی به عنوان "طرح مطالبات از روحانی" روی آورده اند.

نامه ای از ایران:

تاثیرات حجاب اسلامی بر روحیه زنان

پروین احمدزاده

هر روز بعداز ظهرها که از محل کار برمی گردم، مقنعه ام را در میآورم و در کیفم می گذارم و شال نخی را سرم می کنم. تابستان است و هوای امسال خیلی گرم است. بعد از سالها کار جرئت پیدا کرده ام بعد از پایان ساعت کاری، این مقنعه لعنتی را از سرم بردارم و به شال اکتفا کنم. هر چند این را هم دوست ندارم.

یاد زمان کودکی می افتم. خونه مادرم در یکی از شهر های سردسیر با کوه های سر به فلک کشیده بود. رودخانه ای از وسط آن می گذشت خونه ما خیلی نزدیک به کوه بود. کلاس چهارم دبستان بودم، یکی از روزهای سرد زمستانی، هوا بارانی بود از مدرسه به سمت خونه بدون چتر راه افتادم، پالتو طوسی رنگی تنم بود، موهای تابدار سرم را باز کردم و شادمان زیر باران راه می رفتم، چه احساس لذتی می کردم. به خونه رسیدم و زیر باران صورتم را رو به آسمان گرفته بودم تا باران صورتم را بشوید احساس بسیار لذت بخشی بود. مادرم از پشت پنجره صدایم می کرد که "بیا تو سرما می خوری"، اما من گوشم بدهکار نبود. امروز هم دوست دارم بدون چتر و روسری زیر باران راه بروم و باران صورتم را خیس کند. چقدر زیباست این احساس و چقدر زیباست اگر آزاد باشی! مدت ۲ سالی است که مرتب بخاطر ریزش موی سرم به دکتر مراجعه می کنم؛ همه آزمایشها طبیعی است. از داروهای مکمل گرفته تا شامپوهای خارجی و غیره هیچیک تاثیر چندانی نداشته است. فقط از ریزش بیشتر جلو گیری کرده است. اما الان بعداز عید مقنعه را کنار گذاشته ام و کلی وضع مویم بهتر شده.

ریزش مو فقط یکی از عوارض حجاب اسلامی است؛ پوکی استخوان، کمبود ویتامین دی و هزاران مشکل دیگر، افسردگی و عدم اعتماد به نفس که منجر به جراحیهای متعدد روی صورت یا آرایشهای تند و مصرف لوازم آرایشی غیر استاندارد می شود. اینها تنها بخش کوچکی از عوارض بد و جبران ناپذیر حجاب اسلامی است. حجاب برای کودکان دبستانی فاجعه بارتتر است به طوری که هر ساله شیوع پدیکلوز یا همان شپش آنقدر زیاد است که منجر به غیبت بچه ها و همچنین توزیع شامپوی ضد شپش توسط وزارت بهداشت به جای تغذیه رایگان می شود.

از آن فاجعه بار تر جشن تکلیف دختر بچه های ۹ ساله است که آنان را به عنوان یک زن در نظر می گیرند و به اجبار آنها را از دنیای کودکان بیرون می کشند. تاثیرات بد حجاب بر روحیه زنان بسیار زیاد است.

امیدوارم روزی برسد که مبارزه زنان در بدست آوردن ابتدایی ترین حقوقشان که انتخاب پوشش است، پیروز شود. به امید آن روز!

تهران ۲۵ مرداد ۱۳۹۲

اسلام ضد زن است!



سیاوش دانشپور

ماهیت کشمکش کنونی در مصر

اردوی انقلابی باید ابتکار عمل را بدست گیرد!

ارتش مصر در قبال اعتراض اخوانیها، و فردا در مقابل اعتراضات و اعتصابات کارگری، همان کاری را میکند که بطور کلاسیک فلسفه وجودی ارتش است: سرکوب با هدف دفاع از وضعیت موجود! ارتش و نیروی ضد شورش رکن اساسی دستگاه سرکوب در همه جای دنیاست. ارتش در کشورهای مختلف ممکن است تفاوت‌های صوری و جزئی داشته باشد اما واقعیت اینست که ارتش در کنار دادگاهها و پلیس و قوانین، رکن اساسی نیروی سرکوب طبقات حاکمه است. میگویند ارتش غیر سیاسی است و در بسیاری از کشورها افراد ارتش حق ورود به احزاب سیاسی را ندارند. واقعیت اینست که ارتش بعنوان یک ارگان نظامی از سیاست طبقات حاکم پیروی میکند و جزئی تفکیک ناپذیر از آنست. هر زمان که روشها و مکانیزمهای ظاهرا سیویل و غیر نظامی کارکرد خود را از دست میدهند، ارتش بعنوان "قهرمان داستان" وارد صحنه میشود. بسیاری از کودتاها در جهان بعنوان یک اقدام سیاسی میلیتانت و سرکوبگرانه توسط ارتش در دوره های بحرانی صورت گرفته است. ارتش آخرین سنگر ماشین سرکوب دولتی بورژوازی است که با فرو ریختن و یا از هم پاشیدن آن، آینده قدرت طبقه حاکمه تماما در هاله ای از ابهام فرو میرود.

ارتش نه "مردمی و در کنار مردم" است، نه "دمکراتیک" میشود، نه آنطور که ادعا میشود برای دفاع از "مام وطن" ایجاد شده، و نه صرفا "وظیفه حراست از مرزها" را بعهده دارد. ارتش یک ارگان دفاع از حاکمیت طبقاتی بورژوازی است. منافع حاکمیت طبقه بورژوا بسیار وسیع تر از منافع این یا آن دولت موقت بورژوائی در دوره انقلابی است. این منفعتی است که در تقابل نیروی وسیع توده مردمی که "اسقاط النظام" را میخواهند، مبارک را کنار میزند

تا اساس نظام را اعاده کند. این نیروئی است که با اخوانیها متحد میشود و به مردم انقلابی در التحریر و اعتصابات کارگری هجوم میبرد. این نیروئی است که وقتی رفتن مرسی و اخوان مسجل میشود، پشت اخوان را خالی میکند تا "خطر" سقوط حاکمیت طبقه بورژوا را دفع کند. مضافا اینکه بطور مشخص ارتش در مصر، جریانی قدرتمند در ساختار سیاسی - اداری و یک قطب نیرومند در اقتصاد سیاسی آن جامعه است. لذا ارتش مصر "دیده بان نظامی و بیطرف در سیاست" نیست بلکه راسا یک طرف مهم جدال سیاسی در این کشور است. ارتش تلاش دارد در متن بحران آلترناتیو حکومتی و بی اعتباری و بن بست راه حل های تاکتونی طبقه حاکم، نماینده منافع کل بورژوازی برای اعاده وضع موجود در تقابل با اعتراض انقلابی و آزادیخواهانه برای تغییر وضع موجود باشد.

نیرو و عزم انقلابی دهها میلیون مردم کارگر و زحمتکش مصر که جهان را شگفت زده کرد، ارتش را وادار کرد که مجددا از پشت صحنه به جلوی صف بیاید. ارتش همزمان دو اقدام صورت داد: اول، خود را "در کنار مطالبات مردم" قرار داد چون میدانست دیگر نمیتواند روی اسب بازنده مرسی شربندی کند. نگرانی اینبود که این نیروی دهها میلیونی در ایستگاه اسقاط کردن مرسی متوقف نشود و در تداوم تحریک انقلابی کل حاکمیت اردوی ارتجاع را هدف قرار دهد. لذا اتحاد ارتش با مرسی به نفع دفاع از اعاده نظم طبقاتی پایان یافت. دوم، ارتش اولتیماتوم برکناری محمد مرسی را از دست معترضان ربود و راسا ابتکار عمل سیاسی را بدست گرفت. ارتش

تلاش کرد نقشه راه سیاسی آینده مصر بعد از مرسی را تعیین کند و در این راه از حمایت بخش مهمی از بورژوازی مصر و جریانات سیاسی و ناسیونالیستهای متفرقه که دل خوشی از مرسی و اخوانیها نداشتند برخوردار بود.

تاکتیک اخوانیها

اما جنیش اسلام سیاسی در مصر حاضر نبود که قدرت مفت و مجانی بدست آمده را به آسانی از دست دهد. اخوانیها در مصر وقتی فرصت پدید آمده برای تحکیم قدرت خود را از دست دادند، نشان دادند که نیروی مورد اعتماد و قابل اتکای طبقه بورژوازی در دوره بحران انقلابی نیستند. حتی از اسلاف خود در منطقه عقب مانده تر عمل کردند. در چنین موقعیتی "فراخوان به مقاومت" برای اعاده قدرت تنها سنگر باقیمانده برای اخوانیها بود. آنها فکر میکردند با ارباب و ترور، کشته دادن و مظلوم نمائی میتوانند فضا را به نفع خود تغییر دهند. فشار تاکتونی دولتهای غربی و آمریکا و متحدین اخوان در منطقه به نتیجه مورد نظر آنها نرسیده است. اخوانیها حتی نمیتوانند در میان هوادارانشان نیروی کافی برای کشمکش مستمر با ارتش بسیج کنند. اخوانیها نمیتوانند از نظر نظامی حریف ارتش شوند. بویژه سیاست ترور و مجازات جمعی اسلامیها در تهاجم به کلیساها و مردم منتسب به مسیحی، موقعیت وخیم سیاسی اخوانیها را وخیم تر کرد. اشتباه محاسبه اخوانیها تا هم اکنون نشان داده که تیر سیاست اعاده قدرت به سنگ خورده است. برخلاف تبلیغات رایج و آژیتاسیونهای آکسیونی، اخوانیها قید بازگشت مرسی را زده اند، اما تلاش میکنند با فشارهای تاکتونی به توافقی با ارتش مصر برای حفظ خود در صحنه سیاست و گرفتن

صفحه ۵

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

ارتش است. جنگ دو طرف دارد و اعلام جنگ یک نیرو به نیروی دیگر قانون خودش را دارد. اما حمله ارتش به نیروی تظاهر کننده و متحصن در این و آن میدان و مسجد یک اقدام سرکوبگرانه و ضد انسانی و ارتجاعی است که هدفش فراتر از جمع کردن اخوانیها است. امروز هدف ارتش اخوانیها است و فردا جنبش های واقعی سیاسی و اجتماعی که تاکنون دو دولت را سرنگون کرده اند.

از نقطه نظر نیروی اردوی انقلابی و کارگری در مصر، از موضع منافع جنبش آزادی زن که زیر لگد اسلام سیاسی و تحجر قوانین شریعه است، از موضع جوانانی که آزادی و رفاه میخواهند، ارتش و اخوان المسلمین دو رکن حاکمیت سرمایه داری اند. هر دو امتحان پس داده اند و در استبداد و فقر و تبعیض کنونی در مصر سهیم اند. هر دو از نیروهای طبقه حاکم و سرمایه داران در کشور مصر هستند. هر دو بعنوان مختلف از وضع موجود دفاع میکنند. هر دو متحد هم بوده اند و به یک زبان پاسخ خواستهای برحق مردم کارگر و زحمتکش و زنان و جوانان انقلابی را داده اند. هر دو علیه تعرض انقلابی و اعمال اراده مستقیم مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خویش هستند.

در این جدال نیروهای طبقه حاکمه در مصر هر کسی پیروز شود و یا هر توافق و سازشی بین آنها صورت گیرد، ربطی به منافع فوری و بلافصل و آتی اکثریت عظیم مردم در جامعه مصر ندارد. نظم ارتشی و استبداد اسلامی هر دو ضد آزادی اند. اردوی آزادی و برابری و سوسیالیسم در این جدال ضروری است بطور مستقل بمیدان بیاید و آلترناتیو خود را در مقابل جامعه بگذارد. این اردو نشان داده است که قدرتش بسیار وسیعتر از کل بورژوازی است. این اردو به حاکمیت چند دهه ای مبارک پایان داد، مرسی را بعد از دوره ای کوتاه سرنگون کرد، و دو بار ارتش را وادار به فاصله گرفتن تاکتیکی از دولت وقت کرد. این نیرو میتواند ارتش و کل دستگاه سرکوب را کنار بزند و بساط جنگ و رقابت بورژواها را برچیند.

صفحه ۶

ماهیت کشمکش کنونی در مصر

اردوی انقلابی باید ابتکار عمل را بدست گیرد ...

و به ناظر ماجرا تبدیل شدند. مردم بسیار سریع دریافتند آنچه امروز در تقابل ارتش و اخوانیها روی صحنه آمده است، فردا میتواند علیه هر اقدام انقلابی و اصیل کارگری و آزادیخواهانه تکرار شود. ارتش در تنگنای سیاسی اش ناچار شد "قاطع" باشد و سیاست مشیت آهنین را در پیش گیرد. سیاستی که اگرچه اخوانیها را به کنج رینگ سیاست میراند، اما در دور بعدی، ارتش را لخت و عور در مقابل کارگران و مردمی قرار میدهد که از جنایتکاران حمایت نمیکنند و قدرت جنایتکاران را برسمیت نمی شناسند.

سیاست اردوی انقلابی

آزادی در هیچ جامعه ای با سرکوب متحقق نشده است. نیروی ارتجاعی در هیچ جامعه ای با ممنوعیت و غیر قانونی شدن منزوی نشده است. اخوانیها بعنوان یک نیروی شکست خورده میتوانند و باید آزاد باشند که ابراز وجود سیاسی کنند. اتفاقا سیاست ارتش در سرکوب خونین اخوانیها به آنها قدرت بقا میدهد و موقعیت شان را در چانه زنی در بالا بهتر میکند. اسلام استاد بهره برداری از "خون شهیدان" و سرمایه گذاری سیاسی برای بسیج پوپولیستی - مذهبی روی "شهید پروری" است.

مردم کارگر و زحمتکش و نیروهای آزادیخواه که همواره قربانی سرکوب ارتجاع سیاسی بوده اند، اقدام به قتل و کشتن مخالفین توسط ارتش را محکوم میکنند. این اردو تلاش اخوانیهای سرنگون شده برای اعاده قدرت باطل شده را محکوم میکند. و یک نکته را باید تاکید کرد که آنجا که اخوانیها مسلح به جنگ آمده اند، مانند هر جنگ دیگری تلفات میدهند و نمیتوانند مدعی باشند که چرا جواب شلیک ما شلیک

سهمی از قدرت برسند. اخوانیها به پدیده شکست خورده سیاست در مصر تبدیل شدند. فعلا و تا اطلاع ثانوی نه در صفوف بورژوازی جای مهمی دارند و نه میتوانند با معلق زدن خود را در درون صفوف مردمی جا دهند که قبل از ارتش حکم ابطال آنها را صادر کرده بودند.

سیاست ارتش

ارتش در مقابل فشارهای خارجی و ترورهای داخلی کوتاه نیامد و بعنوان نیروی اعاده نظم نمیتوانست کوتاه بیاید. ارتش همین سیاست را فردا در مقابل هر نیروی انقلابی که منافع طبقه حاکم در مصر را بخطر اندازد، بدون ذره ای توهم و تردید در پیش خواهد گرفت. ارتش میدانست که در آخرین لحظه روی ارباب "نه به مرسی" پریده است. لذا تلاش کرد آغاز دور جدید اقدام سرکوبگرانه و حاکمیت نظامی اش را به "خواست و حمایت مردم" متکی کند. ارتش در هفته های گذشته از مردم خواست که اختیار مقابله با اخوانیها را به او تفویض کنند! این بند بازی سیاسی برای این بود که ارتش اینبار بعنوان "رهبر مردم" ظاهر شود و مردم را در ریختن خون مخالفین شریک کند تا نهایتا به چهارچوب ارتش رضایت دهند. ارتش هم در این سیاست تاکنون ناکام مانده است.

برخورد مردم

جریانات هوشیار و نیروهای انقلابی میان کارگران و کمیته های محلات این موقعیت را به ارتش ندادند و در واقع ارتش و اخوان را در تقابل ارتجاعی شان تنها گذاشتند. عده ای هم با توهم "دفاع از ارتش در مقابل اخوان" تلاش کردند کنار ارتش بایستند. نیروهای دولت موقت و ناسیونالیستها متحد ارتش بودند و تلاش کردند برای اقدام ارتش پایگاه توده ای دست و پا کنند. اما با ورود جدی ارتش به سرکوب و شلیک به هواداران اخوان، نیروهای انقلابی و مردم معترض به اخوان هم خود را از تظاهرات کنار کشیدند

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



هدیه روحانی به کنشگران ملی - اسلامی حوزه زنان

حاج خانم معاون شد!

امروز، شاید آگاهانه، عموماً اردوی انقلابی و مردم آزادیخواه نظاره گر جدال دو نیروی ازتجائی اند و خود را برای دور بعد آماده میکنند. اما این نیرو مجدداً قد علم میکند. تناقضات ارتش و اخوان در متن جنگ شان تنها بیانگر قدرت نیروئی است که هیچکدامشان را نمیکشاند. اردوی انقلابی در جدال دو نیروی ارتجاع نظامی و مذهبی در مصر جانب هیچکدامشان را نمیگیرد.

اردوی انقلابی و کارگری دقیقاً باید در لحظه ای ابتکار عمل سیاسی را بدست بگیرد که اخوانیها شکست خورده اند و حاکمیت ارتش و ناسیونالیستهای متفرقه بعنوان ارگان و دولت جنایت نمیتواند مشروعیت داشته باشد. اردوی انقلابی و آزادیخواه و سوسیالیست در مصر باید برای بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی خود را آماده کند.*

روحانی یک حاج خانم حزب الهی دو آتشه بنام الهام امین زاده را به پست معاونت حقوقی خود منصوب کرد. باید به کنشگران ملی - اسلامی حوزه زنان تبریک گفت. روحانی به التماس درخواستهایشان وقعی گذاشت. انتخاب وزیر زن، حتی یک نفر بعنوان اشانتیون! از درخواستهای این کنشگران بود. آس اینقدر شور است که سایت "آینده آنلاین" که به جناح باصطلاح "اصولگرا" متعلق است، نوشته که انتخاب این حاج خانم فقط بخاطر زن بودنش بوده و نه موضع سیاسیش! و سایت "جهان نیوز" از طرفداران حداد عادل تیتتر زده: "بانوی اصولگرا معاون رئیس جمهور شد." یکی از شاهکارهای این حاج خانم اینست که در سال ۱۳۹۲ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با حقوق زنان را بسیار بهتر از کنوانسیون رفع تبعیض از زنان خوانده است.

حالا باید دید که کنشگران ملی - اسلامی چه واکنشی نشان می دهند. قدرانی می کنند؟ گله می کنند؟ یا فاطمه وار سکوت پیشه می کنند؟

ماهیت کشمکش کنونی

در مصر

اردوی انقلابی باید ابتکار عمل را

بدست گیرد ...

اردوی انقلابی و کارگری دقیقاً باید در لحظه ای ابتکار عمل سیاسی را بدست بگیرد که اخوانیها شکست خورده اند و حاکمیت ارتش و ناسیونالیستهای متفرقه بعنوان ارگان و دولت جنایت نمیتواند مشروعیت داشته باشد. اردوی انقلابی و آزادیخواه و سوسیالیست در مصر باید برای بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی خود را آماده کند.*

اردوی انقلابی و کارگری دقیقاً باید در لحظه ای ابتکار عمل سیاسی را بدست بگیرد که اخوانیها شکست خورده اند و حاکمیت ارتش و ناسیونالیستهای متفرقه بعنوان ارگان و دولت جنایت نمیتواند مشروعیت داشته باشد. اردوی انقلابی و آزادیخواه و سوسیالیست در مصر باید برای بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی خود را آماده کند.*

تلویزیون مدوسا

برنامه ای از آذر ماجدی

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به

وقت اروپای مرکزی

کانال: **KMTV مگاهرتز: 11642** **سیمبل ریت: 27500**

به دوستانتان اطلاع دهید!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸،۳۰

بوقت تهران از شبکه هات

برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت:

۲۷۵۰۰

کانال: **KMTV**

به دوستانتان اطلاع دهید!

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سر دبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هینت تحریریه: آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!



تونس:

اعتراض بیش از ۱۵۰ هزار نفر علیه حکومت اسلامی و برای خواست سکولاریسم



Demonstration i Tunisien mot regjeringen. Foto: Hassane Didj/Scanpix

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پانین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

به سازمان آزادی زن پیوندید!



خانه مدوسا!

دفتر سازمان آزادی زن

هدف ما در دفتر سازمان آزادی زن مبارزه در جهت آزادی انسان، صرف نظر از جنسیت، مذهب و ملیت است. ما برای برابری کامل زنان و علیه هرگونه تبعیض مبارزه می کنیم. ما به دختران جوان و زنان کمک می کنیم تا در جهت بالابردن اعتماد بنفس خود و دستیابی به یک زندگی بهتر تلاش کنند.

خانه مدوسا مکانی است برای ملاقات پناهندگان جدید که خود تلاش می کنند با مسائل و معضلات از موضع یک شهروند سوند برخورد کرده و شرایط رشد و پیشرفت خود را در جامعه جدید فراهم کنند. شما در خانه مدوسا امکان دستیابی به کلاسهای درسی متفاوت از جمله زبان سوئدی، انگلیسی، علوم اجتماعی، خیاطی و موزیک را خواهید داشت.

در خانه مدوسا امکان ملاقات با فعالین سیاسی اجتماعی و شرکت در سمینارها و کنفرانسهای مختلف نیز موجود است. برای اینکه بتوانید اطلاعات خود در عرصه های متفاوت سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و علمی را بالا ببرید حتما به خانه مدوسا مراجعه کنید.

در ضمن تلفن اضطراری خانه مدوسا برای همه زنانی که مورد خشونت قرار می گیرند در دسترس است: **0737262622**

این امکانات بخشاً با همکاری اتحادیه آموزشی کارگران سوند و کمک فعالین عرصه برابری زن و مرد صورت میگیرد.

برای اطلاعات بیشتر با تلفن **0709356418** تماس بگیرید.

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو

باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!